



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

مسئولیت حقوقی و کیفری وکیل در صدور چک از منظر فقه امامیه و قانون صدور چک

فرید بیرانوند^{۱*}، فاطمه احمدی^۲

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، مدرس دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: چک پرکاربردترین سند تجاری محسوب می‌شود. به همین علت، اصلاحات مختلفی نسبت به قانون صدور چک به تصویب رسیده است. یکی از موضوعات مهم در زمینه صدور چک، وکالت برای صدور چک و مسئولیت وکیل می‌باشد که هدف از پژوهش حاضر بررسی این موضوع در پرتو قانون صدور چک و مبانی فقهی آن است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با تکیه بر مبانی فقهی، ماهیت چک، نه صرفاً وسیله پرداخت، بلکه اقرار به دین می‌باشد. این ماهیت خاص چک، آثار مختلف و ویژه‌ای را برای چک ایجاد می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: در قانون صدور چک اصل بر مسئولیت وکیل می‌باشد. این مسئله با اصل عدم مسئولیت وکیل در قانون مدنی به عنوان یک اصل عام در تعارض نیست. چنانچه ماهیت چک را اقرار به دین قلمداد کنیم، وکیل برای انجام اقرار از سوی موکل باید علم به موضوع اقرار داشته باشد. در فرآیند صدور چک نیز موضوع اقرار، اطلاع از میزان وجوه حساب موکل می‌باشد. به همین دلیل چنانچه چک با عدم پرداخت مواجه شود، اصل بر این است که وکیل بدون علم و اطلاع اقدام به اقرار نموده است که در این صورت مرتکب تقصیر شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۷-۱۳۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

واژگان کلیدی:

اسناد تجاری، دین، وکالت، مسئولیت وکیل

نویسنده مسوول:

فرید بیرانوند

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم سیاسی.

تلفن:

۰۹۱۲۰۸۶۲۹۵۴

کد اراکید:

0000-0002-4054-7858

پست الکترونیک:

faridbayranvand@gmail.com

۱. مقدمه

چک یکی از اسناد تجاری می‌باشد که سال‌های متمادی در روابط میان تجار و اشخاص غیرتاجر به علت مزایای متعدد از جمله مسئولیت تضامنی، جرم‌انگاری صدور چک بلامحل و... به صورت گسترده مورد توجه و استفاده قرار داشته است. مقررات مربوط به چک به عنوان یکی از وسایل پرداخت، پیش‌تر در قانون تجارت و پس از آن در قانون صدور چک مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. صدور چک مانند هر عمل حقوقی دیگری، گاهی اوقات از جانب اصیل، و گاهی اوقات از جانب نماینده صورت می‌پذیرد. از طرفی، یکی از مصادیق نمایندگی، وکالت است.

پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که، آیا میان قانون صدور چک و قاعده‌ی عمومی مبنی بر اصل عدم مسئولیت وکیل تعارض وجود دارد؟ این عدم هماهنگی را چگونه می‌توان حل و فصل نمود؟ فرضیه‌ای که در پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش فوق مورد بررسی قرار خواهد گرفت این است که با در نظر گرفتن ماهیت اقرار به دین برای فرآیند صدور چک، عملاً تعارضی میان فضای قانون صدور چک و قاعده‌ی عمومی عدم مسئولیت وکیل وجود نخواهد داشت.

در ارتباط با اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر باید عنایت داشت که چنانچه قائل به تعارض میان قانون صدور چک و اصل عدم مسئولیت وکیل باشیم، فرض مسئولیت حقوقی و کیفری وکیل از نظر اصول استنباط در قامت یک استثناء مورد پذیرش قرار خواهد گرفت و در نتیجه در موارد

سکوت، اجمال، تراحم و تعارض، که نیاز به استفاده از ابزار تفسیر می‌باشد، باید فرض مسئولیت وکیل را به صورت مضیق مورد تحلیل قرار داد؛ در حالی که چنانچه مقررات قانون صدور چک در تعارض با اصل عدم مسئولیت وکیل در نظر گرفته نشود، در فرآیند اثبات و احراز مسئولیت وکیل، محدود به اصل تفسیر مضیق در موارد استثنائی نخواهیم بود. بحث مسئولیت وکیل در صدور چک به صورت بسیار محدود مورد توجه برخی نویسندگان قرار گرفته است. به همین جهت، در ارتباط با پیشینه تحقیق حاضر می‌توانیم به مقاله‌ی درویشی تحت عنوان «مسئولیت مدنی وکیل یا نماینده در صدور چک پرداخت نشدنی» اشاره کنیم که در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، در صدور سند تجاری از طریق نمایندگی یا وکالت، چک از لحاظ نوع و دامنه‌ی مسئولیت از دو سند تجاری دیگر یعنی سفته و برات و همچنین از قواعد کلی حاکم بر نمایندگی که طبق آن، آثار و اعمال ناشی از نمایندگی متوجه منوب‌عنه می‌شود نه نماینده، فاصله می‌گیرد. از جمله امتیازات خاصی که قانون‌گذار در مورد چک در مقایسه با اسناد تجاری دیگر قائل گردیده است، پیش‌بینی مسئولیت کیفری و مدنی نماینده یا وکیلی است که با اختیار حاصل از نیابت، چک پرداخت نشدنی را صادر نموده است. با این حال، امتیاز یادشده گاه در رویه‌ی قضایی ما نادیده گرفته می‌شود. رای مورد نقد یکی از این نمونه‌ی آراء است که با تمسک نابه‌جا بر جدایی شخصیت اشخاص حقوقی از شخصیت مدیران آن‌ها، بر خلاف نص قانون،

یا تفریط)، مسئولیت متوجه وی خواهد بود. نکته‌ی جالب توجه این است که در قانون صدور چک، ذیل مواد ۵ مکرر و ۱۹ در صورتی که چک بلامحل به صورت وکالت صادر شود، اصل بر مسئولیت حقوقی و کیفری وکیل می‌باشد.

همچنین در ارتباط با ماهیت چک، چند دیدگاه مطرح شده است که در این مقاله برخی از آن‌ها به اختصار بررسی می‌گردد: دیدگاه اول آن را نوعی تبدیل تعهد می‌داند و قائل به جابه‌جایی رکن موضوع در صدور سند تجاری به جای رکن موضوع در تعهد اصلی است؛ دیدگاه دوم آن را نوعی انتقال طلب دانسته و مراد و قصد اصلی صادرکننده‌ی چک را انتقال طلب می‌دانند؛ طرفداران دیدگاه سوم آن را نوعی قرارداد می‌دانند و در دیدگاه چهارم چک نوعی اقرار به دین دانسته شده است. با توجه به اصل به‌روز بودن چک، به نظر می‌رسد که اگر چک به صورت به‌روز صادر شده باشد، می‌توان ماهیت آن را اقرار به دین دانست؛ در حالی که اگر چک مدت‌دار باشد ماهیت آن منقلب گشته و می‌توان آن را دین محسوب کرد.

۵. بحث

در این مقاله ابتدائاً به بررسی مفاهیم مبنایی از جمله مسئولیت و اقسام آن و اصالت و نمایندگی پرداخته شده و در ادامه ماهیت چک و نظریات پیرامون آن، بررسی گشته و در انتها نیز مسئولیت وکیل در صدور چک مورد بحث واقع شده است.

نماینده‌ی شخص حقوقی را از مسئولیت مدنی در صدور چک بلامحل معاف ساخته است (درویشی، ۱۳۹۵، ۳۱-۱۹). نکته‌ی جالب توجه در ارتباط با مقاله‌ی فوق این است که پیش از اصلاحات سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است و در نتیجه، تحولات اخیر در ارتباط با قانون صدور چک را مدنظر قرار نداده است. نوآوری پژوهش حاضر نیز در ارتباط با تحولات اخیر قانون صدور چک پس از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۰ هجری شمسی می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات حقوقی و فقهی صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به عنوان یک اصل عام در فضای فقه امامیه و حقوق موضوعه، اصولاً وکیل در ارتباط با موضوع وکالت صرفاً یک واسطه محسوب می‌شود و اصل بر عدم مسئولیت او می‌باشد. در واقع اصل بر این است که وکیل چنانچه در ارتباط با وظایف و تعهدات قراردادی و قانونی مرتکب تقصیر شود (اعم از افراط

۵-۱. مفهوم مسئولیت

در فرهنگ فارسی عمید معنای لغوی واژه‌ی مسئولیت به عهده گرفتن وظایف و اعمال ذکر شده است و مسئول کسی است که مورد بازخواست قرار می‌گیرد. در عرف می‌توان مسئولیت را اتخاذ تصمیم معقول و شایسته‌ی شخص در مواجهه با انتظارات جامعه از وی معنا نمود (شرافت‌پیم، ۱۳۸۶، ۵۴). مفهوم این واژه در عالم حقوق، تعهدی است که به وسیله‌ی قانون بر ذمه فرد قرار گرفته و به موجب آن، وی ملزم به از بین بردن ضرری است که به سایرین تحمیل نموده است. فارغ از این که منشاء ضرر مذکور تقصیر خود شخص بوده یا صرفاً به واسطه‌ی فعالیت وی ایجاد گشته باشد. در اصطلاح حقوقی و فقهی لفظ ضمان که معادل مسئولیت به کار می‌رود، استعمال بیشتری دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۷۲-۷۴). در یک تقسیم‌بندی می‌توان مسئولیت را از حیث ماهیت به مسئولیت مدنی و حقوقی تفکیک نمود. در تعریف مسئولیت مدنی می‌توان گفت در مواردی که شخص ملزم به جبران خسارات وارده به فرد دیگر باشد، وی دارای مسئولیت مدنی است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۴۸). در مقابل مسئولیت کیفری زمانی محقق می‌گردد که فرد مرتکب جرمی از جرائم مصرح در قانون گشته باشد. در این نوع از مسئولیت صرفاً اشخاص معینی متضرر از جرم نیستند؛ بلکه کل اجتماع، مخاطب مسئولیت تلقی می‌شوند. از این روست که در مسئولیت کیفری ممکن نیست مسئولیت فرد به واسطه‌ی صلح و سازش ساقط شود. علاوه بر آن، عنصر عمد (در

معنای عام کلمه) برای تحقق مسئولیت لازم است؛ در حالی که در مسئولیت مدنی، حتی ارتکاب مسامحه و خطا نیز، برای استقرار مسئولیت ضروری نیست (اردبیلی، ۱۳۹۲، ۴۷-۴۸) و صرف انتساب ضرر به واسطه‌ی رابطه‌ی سببیت برای ضامن شدن فرد کافی است.

۵-۲. مبانی مسئولیت مدنی

در مواردی که یک فرد ملزم به جبران زیان‌های وارده بر شخص دیگری باشد، برای وی «مسئولیت مدنی» ایجاد گشته است. بر پایه‌ی همین مسئول شناخته شدن، یک رابطه‌ی دینی میان متضرر و فرد مسئول ایجاد می‌گردد که به موجب آن متضرر بستانکار و فرد مسئول مدیون تلقی می‌گردد و موضوع دین جبران زیان‌های وارده است که عموماً با پرداخت پول محقق می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۶). در این عنوان مبانی فقهی و قانونی مسئولیت مدنی بررسی می‌شوند.

۵-۲-۱. مبانی فقهی

دو مبنای اصلی مسئولیت مدنی در فقه امامیه، استناد عرفی به ضرر وارده به زیان‌زننده و قاعده‌ی احترام زیان‌دیده هستند که هر یک ذیلاً به تفکیک بررسی می‌شوند:

الف) مبنای استناد عرفی: بر اساس این نظر، صرف این که عرف زیان وارده به زیان‌دیده را به زیان‌زننده مستند کند، برای مسئول شناختن وی کفایت کرده و وی باید ضرر وارده را جبران نماید. طرفداران این دیدگاه قائل به وجود ملازمه بین

برای در نظر گرفتن فرض مسئولیت مدنی، دو مبنای کلی معرفی شده است که عبارتند از نظریه‌ی تقصیر و نظریه خطر که در ادامه به تشریح آن می‌پردازیم:

الف) نظریه‌ی فرض تقصیر: این نظریه بیانگر این است که هر فردی ضامن آسیب‌هایی است که عمداً وارد نموده یا به سبب بی‌احتیاطی وی ایجاد گشته است. از آنجایی که اثبات تقصیر در عمل با چالش‌های زیادی روبه‌رو بود، قانون‌گذار در پاره‌ای از موارد، مانند قوانین مربوط به دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری به صورت پیش‌فرض تقصیر را مفروض دانسته است تا جبران همه‌ی زیان‌ها پوشش داده شود (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ۴۵-۶۴). علت این پیش‌فرض قانونی این است که غالباً در حوادث رانندگی، راننده‌ی وسیله‌ی نقلیه مرتکب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی -ولو به صورت جزئی- گشته است؛ از همین روست که مقنن این غلبه را، آماره‌ای بر مفروض دانستن تقصیر می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴۵).

ب) نظریه‌ی ایجاد خطر: این نظریه بیان می‌دارد در صورتی که فردی برای تأمین منافع خود محیط خطرزایی را به وجود آورد، در قبال این انتفاع، باید مسئولیت مخاطرات موجود در آن بستر را هم بر عهده بگیرد. به عبارت دیگر، فارغ از این که فرد مرتکب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی شده باشد یا نه، مسئول جبران خطرات و آسیب‌هایی است که در نتیجه‌ی عمل خطرناک وی ایجاد شده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ۴۵-۶۴).

تقصیر و استقرار مسئولیت برای زیان‌رساننده نبوده و این عامل (تقصیر) را صرفاً یکی از طرق احراز استناد ورود زیان به زیان‌رساننده می‌دانند (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۸، ۲۹۷-۳۲۸). ایشان بر این باورند که ذکر عناوینی چون مباشرت و تسبیب از باب ذکر مصداق‌های عملی تلف است و نمی‌توان در قامت یک اصل یا قاعده، یکی از این عناوین را عامل استقرار ضمان دانست و تنها اتلاف (صدق تلف در مفهوم عرفی آن)، باید ملاک قرار گیرد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ۴۳۵). لازم به ذکر است که برای انتساب رابطه‌ی استناد، لزوماً نباید فعلی توسط زیان‌رساننده رخ دهد و این ارتباط ممکن است با ترک فعل نیز محقق گردد (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۸، ۲۹۷-۳۲۸).

ب) مبنای احترام: معنای لغوی واژه‌ی احترام، محرومیت و منع است و در ادبیات فقهی، مفهوم آن نگاه داشتن حرمت می‌باشد. این واژه بر موارد مختلفی اطلاق می‌گردد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جان، عرض، عمل و مال انسان اشاره نمود (بلوردی، ۱۳۹۵، ۳۵-۵). ریشه‌ی این مبنا از یک قاعده‌ی اصطیادی به نام قاعده‌ی احترام است؛ البته برخی آن را برگرفته از بنای عقلا می‌دانند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲۱۳).

۵-۲-۲. مبانی حقوقی خطر و خطا

در هر نظام حقوقی، احکام و قواعد دارای مجموعه‌ای از مبانی اساسی می‌باشند که در واقع ریشه‌های شکل‌گیری احکام و قواعد مزبور را تشکیل می‌دهند. در فضای حقوق مسئولیت نیز،

۵-۳. مبانی مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری در نتیجه‌ی ارتکاب عمل مجرمانه‌ای که در قانون به آن تصریح شده به وجود می‌آید و فرد مسئول مستحق تحمل مجازات قانونی جرم ارتكابی است. بر خلاف مسئولیت مدنی که فرد یا افراد معین و خاصی زیان‌دیده‌ی آن محسوب می‌شوند، در مسئولیت کیفری اصولاً جامعه به عنوان زیان‌دیده شناخته می‌شود (ملک‌زاده، ۱۳۸۹، ۷۶).

مبانی مسئولیت کیفری از دیرباز تا کنون تحولات بسیاری داشته است. در تفکرات کهن، حس انتقام شخصی معیار استقرار این نوع مسئولیت و تعیین حدود آن بوده و افراد شخصاً خود را ذی‌حق اعمال مجازات می‌دانستند. این رویه سبب می‌گشت تا در بسیاری از موارد زیان‌دیده از صراط عدالت خارج شده و تناسبی بین عمل ارتكابی و جزای آن وجود نداشته باشد (ولیدی، ۱۳۸۲، ۸۴). در طول زمان مکاتب مختلف مبانی متعددی برای مسئولیت کیفری ارائه کردند که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

الف) مکتب تحقیقی: پیروان مکتب تحقیقی نقش اراده آزاد انسان در ارتکاب عمل مجرمانه را نادیده گرفته، و قائل به جبری بودن عوامل موجد جرم می‌باشند. بر طبق آموزه‌های این رویکرد، این عوامل جبری به دو دسته‌ی داخلی و خارجی قابل تقسیم‌اند. عوامل داخلی عبارتند از خصوصیات فیزیکی، روانی و ویژگی‌هایی که فرد به واسطه‌ی توارث کسب می‌کند (ولیدی، ۱۳۸۲، ۱۰۹) و عوامل خارجی آن دسته از متغیرها هستند که

خارج از روح و جسم بزهکار بوده و موجب و سبب ارتکاب جرم توسط وی بوده‌اند؛ مانند محیط زندگی. از دید این مکتب مجرمین به دلیل فقدان اراده آزاد، نمی‌توانند از نظر اخلاقی مسئول شناخته شوند؛ اما از آنجایی که برای جامعه‌ی اطراف خود فردی خطرناک محسوب می‌شوند، دارای مسئولیت اجتماعی بوده و برای جلوگیری از ورود ضرر به سایرین باید در چهارچوب ضوابطی که جامعه برای ایشان تعیین می‌نماید حرکت کنند. پیروان این مکتب بر این باورند که مجازات این افراد به دور از عدالت است؛ زیرا که غلبه‌ی جبر بر ایشان مانع آن می‌گردد که با اراده‌ی آزاد دست به ارتکاب جرم بزنند. همچنین تحمیل کیفر به این افراد را به دور از مقاصد اصلی کیفر - که همان اثر بخشی و عدم تکرار جرم است - می‌دانند؛ زیرا که ارتکاب مجدد بزه امری خارج از اراده ایشان است و متنبه شدن به واسطه کیفر نمی‌تواند بر آن اثر بگذارد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱۹؛ ولیدی، ۱۳۸۲، ۱۱۱). در این مکتب اقدامات تأمینی و تربیتی جایگزین کیفر گشته است (قیاسی، ۱۳۸۵، ۹۹).

ب) مکتب دفاع اجتماعی: بر خلاف مکتب تحقیقی که قائل به حاکمیت جبر بر مجرمین است، مکتب دفاع اجتماعی مجرمین را دارای اراده نسبی دانسته و قائل به دفاع از جامعه در مقابل ایشان است. این مکتب بر این باور است که بسیاری از اصطلاحات رایج حقوق کیفری مانند مسئولیت کیفری، باید کنار گذاشته شوند (علوی، ۱۳۹۵، ۴۵-۶۰).

پ) مبانی مسئولیت کیفری در اسلام: در سیستم‌های حقوقی که مبانی خود را از ادیان

اقتباس می‌کنند، آموزه‌های دینی تعیین‌کننده‌ی قوانین و دستورات آن هستند. همچنین مفهوم و حدود عناوینی چون مسئولیت، در سایه‌ی اصول و قواعد آن دین و آیین، تعیین خواهند شد. در دین مبین اسلام تعیین احکام کیفری بر مبنای حفظ نمودن مصالح ضروری و پیشگیری از اضرار به آن‌ها است. مصالح مذکور در دین اسلام شامل جان، نسب، دین و مال می‌شوند (ادریس، ۱۳۷۴، ۳۱).

۴-۵. اقسام مسئولیت

در یک تقسیم‌بندی می‌توان مسئولیت را به انواع فردی و جمعی تفکیک کرد؛ مسئولیت فردی در جایی که شخص مسئول واحد باشد، و مسئولیت جمعی در فرضی که مسئولین متعدّدند به وقوع می‌پیوندد. مسئولیت جمعی، خود دارای اقسامی است که به بررسی آن می‌پردازیم:

الف) در این نوع از مسئولیت، شخص مسئول، به نسبت مشخصی ضامن است و دائن نمی‌تواند مازاد بر آن، به وی رجوع کند.

ب) مسئولیت تضامنی: زمانی که التزام‌های متعدّد برای یک دین واحد وجود داشته باشد، مسئولیت تضامنی به وقوع می‌پیوندد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۰۲). در این قسم از مسئولیت، دائن برای وصول طلب خود مختار است به همه یا هر یک از مسئولین مراجعه نموده و هر مقدار از دین را که بخواهد از ایشان مطالبه کند؛ گرچه باید در نظر داشت منطقاً دائن نمی‌تواند مازاد بر مقدار دین خود را دریافت نماید. مسئولیت تضامنی نیز از جهات مختلف قابل تقسیم است که به برخی از

آن‌ها اشاره می‌گردد (دیلمی، ۱۳۹۰، ۸۹-۱۱۸). در باب این که در سیستم حقوقی ایران اصل بر مسئولیت نسبی است یا تضامنی بین نویسندگان حقوقی اختلاف نظر وجود دارد.

حالت اول: مسئولیت تضامنی از حیث عرضی یا طولی بودن: در فرضی که مسئولین متعدّد در طول هم ملزم به پرداخت دینی واحد می‌باشند، مسئولیت طولی است و از آنجایی که مسئولین نیز می‌توانند به مدیون اصلی مراجعه کنند، در انتها مدیون اصلی است که باید دین را تادیه کند. در مسئولیت عرضی، تمامی مسئولان در عرض هم ملزم به پرداخت دین می‌باشند؛ گرچه ممکن است در میان مدیونین رابطه‌ی دیگری برای پرداخت دین مقرر بوده و یکی از آن‌ها یا چند نفر به صورت نسبی ملزم به پرداخت دین باشند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ۴۵-۶۴).

حالت دوم: مسئولیت تضامنی قراردادی و قانونی: هرگاه منشاء ایجاد مسئولیت تضامنی به موجب قانون باشد، مسئولیت تضامنی قانونی بوده و هرگاه در اثر قرارداد بین دو یا چند اراده باشد، آن را مسئولیت تضامنی قراردادی می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴۵).

۵-۵. اصالت و نمایندگی

اعمال حقوقی در اغلب موارد به صورت مستقیم از سوی افراد صورت می‌گیرد که در اصطلاح حقوقی به آن صدور اعمال حقوقی به اصالت گفته می‌شود. اما در مواردی نیز اعمال حقوقی از طریق یک واسطه صورت می‌گیرد که در این فرض، واسطه‌ی

مزبور دارای نوعی نمایندگی از جانب اصیل می‌باشد.

به بیان دیگر، نماینده را می‌توان شخصی تعریف نمود که عمل حقوقی به نام وی انجام می‌شود اما در واقع برای فرد دیگری است. اهلیت نماینده، می‌تواند ناشی از قانون یا عقد باشد که بر اساس همین منشاء نماینده به دو نوع قانونی و قراردادی تقسیم می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۲۱۱). همچنین قسم دیگری نیز وجود دارد که در آن نماینده، اهلیت خود را به موجب حکم مرجع قضائی صالح دریافت می‌کند که به آن نمایندگی قضایی گفته می‌شود.

۵-۶. وکالت

وکالت نوعی از نمایندگی (نمایندگی قراردادی) است و به موجب توافقی که میان وکیل و موکل است تشکیل می‌گردد. اثر ناشی از عقد وکالت، اعطای نیابت می‌باشد و وکیل اختیار دارد به نام و حساب موکل، در حدود اذنی که به وی داده شده، تصرفات مقتضی انجام دهد (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ۱۲۵). در نظام حقوقی ایران، در هر امری که انجام آن قائم به فرد خاصی نبوده و شرط مباشرت در آن وجود ندارد، می‌توان اعطای وکالت نمود (امامی، ۱۳۸۲، ۱۲۵).

۵-۷. مسئولیت وکیل

در نظام حقوقی ایران یک قاعده برای مسئولیت وکیل وجود دارد که در مورد آن مناقشه وجود ندارد. طبق این قاعده قرارداد نماینده، همان

قرارداد اصیل می‌باشد و در صورتی که حق و تکلیفی به موجب قرارداد ایجاد گردد، این حق و تکلیف به اصیل تعلق دارد. از این رو در موقعیتهایی که وکیل در حدود اذن دست به اقدام بزند، الزام و تعهدی برای وی متصور نمی‌باشد مگر این که در توافقات بین وکیل و اصیل شرایط دیگری مقرر شده باشد (عاملی، ۱۴۱۴، ۲۷۲). پس اصل بر عدم مسئولیت وکیل می‌باشد.

۵-۸. ماهیت چک

با نظر به قانون تجارت، قانون صدور چک و اصلاحات آن، می‌توان چک را سندی تعریف نمود که محال‌علیه آن بانک است. به عبارت دیگر بر عهده‌ی یک بانک صادر شده و شخص به وسیله‌ی آن، مبالغی را که نزد بانک داشته، خود شخصا برداشت نموده یا دستور می‌دهد بانک آن را به شخصی تادیه کند (رنجبر، ۱۳۹۶، ۱۱۱).

در باب ماهیت سند تجاری چک بین اندیشمندان عرصه‌ی حقوق اختلاف نظر وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

الف- تبدیل تعهد: یک رابطه‌ی دینی چهار رکنی است که ارکان آن عبارتند از: موضوع تعهد، متعهدله، متعهد، سبب تعهد. زمانی که یکی از ارکان مزبور حذف و مورد دیگری جایگزین آن گردد، تبدیل تعهد رخ می‌دهد. پس تبدیل تعهد به اعتبار هر یک از چهار رکن ممکن است. اگر بخواهیم ماهیت چک را تبدیل تعهد بدانیم، باید یکی از چهار رکن مزبور جابه‌جا شود. آن دسته از حقوق‌دانانی که قائل به ماهیت تبدیل تعهد برای

حساب صادرکننده فاقد وجه باشد، انتقال طلب عملاً موضوعیت ندارد اما صدور چک به قوت خود باقی است و وجود آن منتفی نمی‌شود (اسکینی، ۱۳۹۷، ۶۹).

ج- قرارداد: عده‌ای بر این باورند که صدور چک یک قرارداد جداگانه می‌باشد. گرچه از مصادیق حواله، انتقال طلب و تبدیل تعهد نمی‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ۳۲۴). صاحب‌نظران دیگر -یعنی آن دسته از افرادی که چک را تبدیل تعهد، حواله، انتقال طلب و... می‌دانند- نیز در غالباً قائل به قرارداد بودن چک می‌باشند و اختلاف اصلی در نوع قرارداد می‌باشد. گرچه به این نظر نیز انتقاداتی وارد است برای مثال دکتر شهیدی بیان داشته‌اند در زمان ارائه‌ی سند تجاری مقصود طرفین فراهم آوردن وسیله‌ای است تا با آن تعهد سابق خود را ایفا نمایند و انشاء قرارداد جدیدی یا تعهدی جدید در دایره‌ی اراده‌ی ایشان قرار ندارد (شهیدی، ۱۳۸۱، ۱۶۶).

د- اقرار به دین: از نظر نگارندگان، ماهیت چک اقرار به دین است. باید در نظر داشت چک اصولاً به‌روز صادر می‌شود و در صورتی که چک منطبق با این اصل صادر شده و مدت‌دار نباشد، حاکی از اقرار صادرکننده به وجود وجه در حساب می‌باشد و به همین دلیل است که استقرار وصف کیفری برای چک، منوط به مدت‌دار نبودن آن است؛ زیرا در صورتی که وجهی در حساب صادرکننده موجود نباشد، اقرار وی خلاف واقع بوده و جرم تلقی می‌گردد. از طرف دیگر اگر چک مدت‌دار باشد دیگر نمی‌توان آن را واجد این ماهیت دانست و ذات آن

چک هستند، تبدیل تعهد به اعتبار موضوع را منظور خود قرار داده‌اند. این عده بر این باورند که در صدور چک تعهد اصلی که همان تعهد سابق است، از بین رفته و یک تعهد جدید به جای آن قرار می‌گیرد که همان صدور چک است. در این دیدگاه با بیان تفاوت‌های سند مدنی و تجاری (که در این مورد چک است)، مثل عدم توجه به ایرادات در اسناد تجاری و عدم الزام به تادیه خسارت احتمالی، ماهیت تعهد اصلی سابق و چک را متفاوت دانسته و به همین اعتبار این تحول را تبدیل تعهد می‌داند (امام وردی، ۱۳۹۴، ۱۷۳-۱۹۶). در نقد این نظریه می‌توان گفت با صدور چک حق و تکلیفی که در نتیجه‌ی قرارداد سابق به وجود آمده از بین نمی‌رود. پس تعهد قبلی بر جای خود باقی بوده و تبدیل تعهدی رخ نمی‌دهد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۴، ۴۵)

ب- انتقال طلب: در انتقال طلب، طلب از مایملک بستانکار به دارایی فرد دیگری انتقال می‌یابد. و فرد منتقل‌الیه جایگزین انتقال‌دهنده می‌گردد. در انتقال طلب مزایای تعهد بر جای خود باقی می‌ماند. بدهکار در این رابطه نقشی نداشته و صرفاً میان بستانکار و شخص ثالث است (امامی، ۱۳۸۲، ۲۴۵). پاره‌ای از نویسندگان مانند دکتر کاویانی بر این باورند که ماهیت چک نوعی انتقال طلب بوده و تفاوت در آثار را مانع این نمی‌دانند که چک ذیل این عنوان قرار گیرد. ایشان بر این باورند که صادرکننده‌ی چک، قصد در انتقال طلب خود را دارد (کاویانی، ۱۳۸۹، ۲۰). به این نظر نیز انتقاداتی وارد است. برای نمونه می‌توان گفت در صورتی که

تغییر می‌یابد. در فقه امامیه نیز برخی از فقه‌های متأخر مانند امام خمینی (ره) به صورت ضمنی بر این دیدگاه صحه گذاشته‌اند. ایشان در جلد دوم تحریرالوسیله ذیل مسئله‌ی ۱۱ در باب مسائل مستحدثه آورده‌اند: «چک‌های بانکی مانند اوراق تجارتي مالیتی ندارند، بلکه آن‌ها حاکی از مبلغ معینی در بانک می‌باشند. و خرید و فروش آن‌ها به خودی خود- جایز نیست».

۵-۹. وکالت در صدور چک

در قانون تجارت ایران، وکالت در اسناد تجاری به صورت ظهرونی به قصد وکالت پیش‌بینی شده است. نوع دیگر وکالت در صدور اسناد تجاری، واگذاری صدور یا تکمیل مندرجات سند به وکیل می‌باشد که مقررات آن در مورد چک به صورت دقیق مشخص نمی‌باشد (عالی پناه، ۱۳۹۸، ۵۵۱-۵۷۸). با در نظر گرفتن مفاد ماده‌ی ۵ مکرر و ماده‌ی ۱۹ قانون صدور چک، قانون‌گذار فرض صدور چک به وکالت را مورد پذیرش قرار داده است. در این دو ماده قانون‌گذار مسئولیت حقوقی و کیفری وکیل را مورد توجه قرار داده است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۵-۱۰. مسئولیت وکیل در صدور چک

مسئولیت وکیل در صدور چک را می‌بایست در دو حالت مورد بررسی قرار داد: مسئولیت حقوقی و مسئولیت کیفری.

حالت اول: مسئولیت حقوقی وکیل ذیل ماده‌ی ۵ مکرر قانون صدور چک مورد توجه قانون‌گذار قرار

گرفته است. در ماده‌ی مزبور مجموعه‌ی اقداماتی که در صورت عدم پرداخت چک از سوی دارنده علیه صادرکننده انجام خواهد گرفت، مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۵ مکرر مقرر می‌دارد: «بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه‌ی یکپارچه‌ی بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت کلیه‌ی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوءاثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند: الف- عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛ ب- مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛ ج- عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت نامه‌های ارزی یا ریالی؛ د- عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی»

چنانچه صدور چک به وکالت صورت گرفته باشد، مطابق با تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵ مکرر، اقداماتی که علیه صاحب حساب صورت می‌گیرد، علیه وکیل نیز قابل اعمال است. در همین راستا تبصره‌ی ۲ ماده ۵ مکرر مقرر می‌دارد: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌گردد. مگر اینکه در

مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانک‌ها مکلفند به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهینامه مذکور درج نمایند.»

حالت دوم: مسئولیت کیفری وکیل ذیل ماده‌ی ۱۹ قانون صدور چک مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. ماده‌ی مزبور مقرر می‌دارد: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده‌ی چک و صاحب امضاء متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر می‌شود. به علاوه امضاءکننده‌ی چک طبق مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده، از نظر کیفری مسئول خواهد بود.»

همانطور که از مفاد مواد مذکور برمی‌آید، وکیل در صدور چک هم دارای مسئولیت تضامنی و هم دارای مسئولیت کیفری می‌باشد. در نگاه اول این مقررات با اصل عدم مسئولیت وکیل در قانون مدنی منافات داشته و استثنا تلقی می‌شود. در نتیجه زمانی که با فضای سکوت، اجمال، تعارض و تزاحم مواجه شده و نیاز به ابزار تفسیر پیدا کنیم باید مطابق با قواعد اصول استنباط در تفسیر استثنا،

مضیق بودن را رعایت نماییم. این عدم هماهنگی میان قانون صدور چک و اصل عمومی عدم مسئولیت وکیل در حقوق مدنی در صورتی به وقوع می‌پیوندد که ماهیت چک را نوعی قرارداد یا وسیله‌ی پرداخت تلقی کنیم که وجه مشترک این دیدگاه‌ها قائل بودن به استفاده از اراده انشائی در صدور چک است. در هر نظام حقوقی وجود مفهومی به نام حکومت قانون لازم و ضروری است. این مفهوم دارای عناصری است که یکی از آنها وجود هماهنگی و نظم منطقی میان اجزا و عناصر آن است. استثنائات متعدد در اصول و قواعد یک منظومه‌ی حقوقی از قاعده‌مند بودن و جزمیت آن که از ارکان حکومت قانون می‌باشند (و حکومت قانون نیز به نوبه‌ی خود ستون فقرات هر سیستم حقوقی محسوب می‌شود) کاسته و موجب برهم خوردن نظم منطقی مذکور می‌گردد. علاوه بر آن از نظر قواعد اصول استنباط، استثنائات متعدد، اعتبار اصول و قواعد را به چالش کشیده و موجب حاکم شدن وضعیتی می‌شود که در ادبیات اصول استنباط تحت عنوان تخصیص اکثر از آن یاد می‌شود و امری قبیح است و تا حد امکان باید از آن اجتناب نمود. از توضیحات مذکور می‌توان نتیجه گرفت تمسک به نهاد استثنا آخرین حربه و راهکار برای تحلیل ماهیت و آثار یک عنوان می‌باشد.

به نظر نگارندگان پژوهش حاضر، متغیر موثر در تحلیل مسئولیت وکیل، ماهیت چک می‌باشد. در ماهیت چک نیز باید میان چک مدت‌دار و چک به‌روز قائل به تفکیک شد. در بررسی ماهیت چک

به‌روز باید گفت در صورتی که عقبه‌ی صدور چک را نوعی اراده‌ی اخباری صادرکننده بدانیم، نظم منطقی میان قواعد مسئولیت وکیل در صدور چک با اصول مسئولیت وکیل در قوانین مدنی و کیفری برقرار می‌شود. این هماهنگی از این جهت می‌باشد که وکیل در صورت صدور چک به‌روز بلامحل به وکالت، در واقع در مقام اقرار خلاف واقع به وجود وجهی در حساب می‌باشد. اراده‌ی اخباری خبر از امری در گذشته دارد و این خبر یا صدق است و یا کذب بنابراین اراده ایشان یا صحیح است یا باطل و فضای عدم نفوذ برای آن متصور نیست؛ وکیل صادرکننده‌ی چک یا با علم به خالی بودن حساب اقدام به صدور چک بلامحل (اقرار به وجود وجه در حساب) نموده، که در این صورت مرتکب تقصیر شده و دارای مسئولیت حقوقی و کیفری است یا با عدم اطلاع از موجودی حساب اقراری نموده که خود نیز از صدق و کذب آن بی‌اطلاع است که در این صورت نیز مرتکب تقصیر شده و مسئول شناخته می‌شود. در واقع قانون‌گذار در قانون چک، فرض تقصیر را برای وکیل صادرکننده‌ی چک مفروض دانسته و این فرض نیز منطقی می‌نماید. زیرا به نظر می‌رسد مبنای سختگیری قانون‌گذار از ترسیم حدود مسئولیت وکیل، عدم سوءاستفاده از قانون و جلوگیری از اختلال در نظم عمومی می‌باشد. زیرا نقش‌آفرینی چک به‌روز همانند وجه نقد می‌باشد و دریافت‌کننده باید بتواند وجه آن را به محض وصول چک از بانک دریافت دارد. از این روست که در صورت وجود خلاء قانونی در این حوزه، زمینه برای سوءاستفاده از نوسان بازار و دور

زدن قانون برای افراد سودجو فراهم می‌گردد و در مقابل وضع این قوانین موجب بالا رفتن ضریب امنیت معاملات می‌گردد. به همین دلیل است که اثبات فرض خلاف مسئولیت وکیل در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۵ مکرر، مسئولیت اثبات عدم استناد صدور چک بلامحل به وکیل در دادگاه صالح را، بر عهده‌ی شخص وکیل قرار داده است. با وجود اوصاف مذکور، به نظر می‌رسد وکیل در صدور چک، باید علاوه بر احراز وجود وجه در حساب، اقدام به تهیه‌ی ادله‌ی مقتضی برای فراهم شدن امکان اثبات عدم تقصیر خود نزد محکمه نماید. برای مثال می‌تواند صورت حساب را به صورت مکتوب تقاضا نماید یا ضمن قرارداد، اعلام موکل به انحصاری بودن وکالت یا تضمین موکل را برای عدم تراحم حدود اختیارت نماینده‌ی دیگر با اقدامات وی را درج نماید.

۶. نتیجه‌گیری

نظم حاکم بر هر نظام حقوقی اقتضا دارد که کمترین تعارض بین قواعد آن وجود داشته باشد. مسئولیت وکیل صادرکننده‌ی چک نیز، باید در همین بستر تفسیر گردد تا کمترین اصطحاک را با قواعد مذکور داشته باشد. بررسی مسئولیت وکیل صادرکننده‌ی چک ارتباط تنگاتنگی با ماهیت چک دارد. چک نهادی است که قواعد و احکام حاکم بر آن با توجه به الزامات حاکم بر فضای قانون تجارت و معاملات تجاری، همانند تأمین امنیت معاملات و سرعت در آنها، طراحی گشته است. علی‌رغم ترسیم این قواعد ذیل قانون تجارت، این سند به تجار

۸. سهم نویسندگان

کلیه‌ی نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

اختصاص نداشته و عملاً به طور گسترده مورد استفاده‌ی عموم قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل قوانین مرتبط با آن بسیار مبتلابه بوده و عدم تقنین قوانین مناسب می‌تواند زمینه‌ی برهم خوردن نظم عمومی را فراهم آورد.

در باب ماهیت چک در آغاز باید بین چک مدت‌دار و چک بدون مدت قائل به تفکیک شد. با توجه به اصل به‌روز بودن چک در این مقاله به این نوع چک پرداخته شده است. در بررسی ماهیت چک بدون مدت، برای برقراری نظم بین قواعد عمومی حاکم بر مسئولیت، باید عقبه‌ی آن را اراده‌ی اخباری دانست: وکیل صادرکننده‌ی چک بلامحل به‌روز یا با علم و اطلاع از خالی بودن حساب اقدام به اقرار به موجود بودن وجه در حساب نموده، که در این صورت منطقاً باید برای وی به دلیل اقرار خلاف واقع مسئولیت قائل شد و یا بدون علم و اطلاع چک بلامحل به‌روز صادر نموده است که در این فرض نیز اقرار به امری نموده که اطلاعی از آن ندارد و باز هم باید وی را مسئول دانست. این رویکرد علاوه بر این که در چهارچوب نظم حقوقی قرار دارد، با نظرات فقهی نیز در تعارض نمی‌باشد.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که به هر نحو در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌نماییم.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۷.
- امام وردی، محمد حسن، «ماهیت شناسی مدنی صدور چک عادی در حقوق ایران»، آموزه‌های فقهی مدنی، دوره دوازدهم، ۱۳۹۴.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۲.
- بلوردی، طیب، «بررسی فقهی و حقوق امنیت شغلی کارگران با استناد به قاعده احترام»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره سوم، ۱۳۹۵.
- بهرامی احمدی، حمید، آقا عباسی، رضا، «بررسی مبنای مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی و حدود آن با تکیه بر مبانی فقهی حقوق تطبیقی، شماره دوم، ۱۳۹۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیه، جلد دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷.
- درویشی، هویدا، «یوسف، مسئولیت مدنی وکیل یا نماینده در صدور چک پرداخت نشدنی»، دو فصلنامه رویه قضایی حقوق خصوصی، شماره یکم، ۱۳۹۵.
- دیلمی، احمد، «تأملی در قرائت‌های مختلف از مسئولیت تضامنی»، فقه و حقوق اسلامی، شماره سوم، ۱۳۹۰.
- رنجبر، رامین، «بررسی ماهیت صدور چک و مقایسه آن با تبدیل تعهد»، کنفرانس سالانه پژوهش‌های حقوقی و قضایی، دوره یکم، ۱۳۹۶.
- شرافت‌پیما، محمدرضا، عیسایی تفریشی، محمدرضا، صادقی، محمود، «تاثیر همراه قوه قاهره بر مسئولیت»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره چهارم، ۱۳۸۶.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران، مجد، ۱۳۸۱.
- عالی پناه، علیرضا، جوادی، علی، «اثر نظریه نمایندگی در صدور سند تجارتي و تعیین تاریخ چک و لوازم آن با نگاهی به کنوانسیون‌های ژنو درباره چک مصوب ۱۹۳۱م»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۸.
- عاملی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام، جلد پنجم، قم، موسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۴.
- علوی، حسن، «مبانی مسئولیت کیفری در حقوق جزا»، دوفصلنامه علمی تخصصی گفتمان حقوقی، شماره یکم، ۱۳۹۵.

- عوض احمد، ادريس، ديه، ترجمه عليرضا فيض، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۷۴.
- قياسي، جلال الدين، حقوق جزای عمومي (اسلام و حقوق موضوعه)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- کاتوزيان، ناصر، عقود معين، جلد سوم، تهران، نشر بهشهر، ۱۳۶۴.
- کاتوزيان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدني، تهران، کانون وکلا، ۱۳۷۳.
- کاتوزيان، ناصر، حقوق مدني (نظريه عمومي تعهدات)، تهران، نشر يلدا، ۱۳۷۴.
- کاتوزيان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- کاتوزيان، ناصر، ضمان قهری، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- کاتوزيان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- کاويانی، کوروش، حقوق اسناد تجاری، تهران، میزان، ۱۳۸۹.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، جلد اول، تهران، مرکز نشر علم اسلامي، ۱۴۰۶.
- ملکزاده، فهيمه، اصطلاحات تشریحي حقوق جزا، تهران، مجد، ۱۳۸۹.
- وليدی، محمد صالح، حقوق جزا (مسئولیت کیفری)، تهران، امیرکبير، ۱۳۸۲.
- هوشمند فیروزآبادی، حسين، «ارزیابی مانی فقهی مسئولیت مدني»، آموزه‌های فقهی مدني دانشگاه علوم رضوی، شماره نوزدهم، ۱۳۹۸.

The lawyer's civil and criminal responsibility in issuing checks from the perspective of Fiqh of Imamiyya and the code of issuing checks

Farid Bayranvand^{1*}, Fatemeh Ahmadi²

1. PhD of Public International Law, lecturer of Faculty of Literature and Humanities, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Bachelor of Laws, Faculty of Law and Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 117-132

Article history:

Received: 18 Apr 2021

Edition: 19 Jun 2021

Accepted: 9 Aug 2021

Published online: 26 Sep 2021

Keywords:

Commercial Paper, Debt,
Advocacy, Lawyer
Responsibility

Corresponding Author:

Farid Bayranvand

Address:

Faculty of Literature and
Humanities, Tehran Central
Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-4054-7858

Tel:

09120862954

Email:

faridbayranvand@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The check is the most widely used commercial paper. For this reason, various amendments to the law on issuing checks have been adopted. One of the important issues in the field of check issuance is the power of attorney for issuing checks and the responsibility of the lawyer in the light of the code of issuing checks and its jurisprudential principles, which is the purpose of this study.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The findings of the present study show that with Relying on jurisprudential principles, the nature of a check is not merely a means of payment, but a debt acknowledgment. This special nature of the check creates different and special effects for the check.

Conclusion: In the code of issuing checks, the responsibility of the lawyer is a principle. If we consider the nature of the check as a debt acknowledgment, the lawyer must be aware of the subject of the confession in order for the client to make a confession. In the process of issuing a check, the subject of the confession is knowing the amount of the client's account funds. For this reason, if the check is not paid, the principle is that the lawyer has confessed without knowledge and information, in which case he has committed a Fault.

Cite this article as:

Bayranvand F, Ahmadi F. The lawyer's civil and criminal responsibility in issuing checks from the perspective of Fiqh of Imamiyya and the code of issuing checks. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(3): 117-132.